

Sociological analysis of Kermanshah city development challenges from the perspective of city elites

Sajede Vaezzade

Ph.D. in Sociology Physical Development Institute, ACECR, Kermanshah, Iran.
sawaez@yahoo.com (Corresponding author)

Ali Ayasse

MA in management, Head of Studies Group in Directorate - General for Economic and Financial Affairs of Kermanshah Province, Kermanshah, Iran.
ayasseh@gmail.com

Bitahamed

Physical Development Institute, ACECR, Kermanshah, Iran.
bitahamed@gmail.com

Abstract

Kermanshah has experienced many ups and downs in different historical periods in terms of development status. It was the second capital of Iran in Sassanid era. Afterward, it also flourished in a period but it never achieved the position of other most important cities of Iran. This paper aims to provide a sociological analysis of the development challenges in Kermanshah and it intends to examine the contexts and conditions under which Kermanshah has not been able to enjoy a proper position in the country. In this regard, the mentality of Kermanshahi elites has been analyzed. The study method is qualitative and the information was obtained through interviews with 22 intellectuals in Kermanshah. Analysis of the themes resulting from the coding of participants' information shows that the city has gone through a process towards a paradoxical identity, which has been the result of a historical process in the formation of social anomie, the decline of culture and political behavior and the heterogeneous formation of cultural identity. In addition, conditions such as uncoordinated modernization, war and incoherence in the country's development programs and the dominance of a security discourse on the development of the city are among the areas that shape the actions related to the current situation of the city and citizens in this situation have mainly organized their action strategies in three ways, including renunciation, incuriosity and destruction.

Keywords: city development, social anomie, contradictory cultural identity, Kermanshah city

تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه شهر کرمانشاه از نگاه صاحب‌نظران شهر

ساجده واعظ زاده

دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه پژوهشی جامعه‌شناسی سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

(نویسنده مسئول) sawaez@yahoo.com

علی ایاسه

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

heidaryzargooosh.m@gmail.com

بی‌تا حامد

استادیار و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی، پژوهشکده توسعه کالبدی، سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه

bitahamed@gmail.com

چکیده

کرمانشاه در دوره‌های مختلف تاریخی فراز و فرودهای زیادی را از نظر وضعیت توسعه‌یافتگی تجربه کرده است. این شهر در دوره ساسانیان پایتخت دوم ایران بود و پس از آن نیز در ادواری دارای رونق بوده است، اما پس از آن هیچوقت جایگاه شهرهای بزرگ ایران را به دست نیاورد. این مقاله با هدف تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه شهر کرمانشاه انجام شده و بر آن است که زمینه‌ها و شرایطی را بررسی کند که تحت آنها کرمانشاه نتوانسته از جایگاهی درخور در سطح کشور برخوردار شود. در این راستا موضوع از دیدگاه نخبگان کرمانشاهی مورد تحلیل قرار گرفته است. روش مطالعه کیفی است و اطلاعات از طریق مصاحبه با ۲۲ اندیشمند کرمانشاهی به دست آمد. تحلیل مقولات حاصل از کدگذاری اطلاعات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که شهر یک روند به سمت یک شکل‌گیری یک هویت متناقض شهری را طی کرده است که حاصل یک فرایند تجربه تاریخی در شکل‌گیری یک بی‌نظمی اجتماعی، افول فرهنگ و رفتار سیاسی و تکوین شکل ناهمگون هویت فرهنگی بوده است. همچنین شرایطی از جمله مدرنیزاسیون ناهماهنگ، جنگ و ناهماهنگی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور و تسلط بخش امنیتی نظام سیاسی از جمله زمینه‌های شکل‌دهنده به کنش‌های مربوط به وضعیت موجود شهر است و شهروندان عمدتاً در این وضعیت به سه گونه از جمله کناره‌گیری، بی‌تفاوتی و تخریب، استراتژی‌های کنشی خود را سامان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: توسعه شهر، آنومی اجتماعی، هویت‌یابی متناقض فرهنگی، کرمانشاه

۱- مقدمه

توسعه یک شهر علاوه بر این که نمایانگر سیاست‌های مدون اتخاذ شده از سوی مدیران شهری است همچنین بازتاب خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی آن و تحولاتی است که در محیط پیرامون آن به وقوع می‌پیوندد. در واقع، پیشینه تاریخی و فرهنگی و اهمیت سیاسی، اقتصادی و ارتباطی شهرهاست که سبب تنوع آنها می‌گردد (الماسی و مرادی، ۱۳۹۲: ۲). بنابراین شهر را می‌توان تجسم کالبدی بخشی از تاریخ و فرهنگ جامعه دانست. توسعه شهرها در طول تاریخ از عواملی مانند غارت، راهزنی و ناامنی نیز تأثیر می‌پذیرفته است (سوردل، به نقل از نظیف، ۱۳۹۲).

پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی نیز از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت شهرها بوده است. به طور مثال، انقلاب صنعتی با تبدیل کردن شهرهای سنتی به شهرهای صنعتی باعث گسترش مهاجرت‌های روستایی و پدیده زاغه-نشینی در اطراف شهرها شد. علاوه بر آن باعث ایجاد مجموعه‌های بی‌نظمی از کارخانجات، کارگاه‌ها و سکونتگاه‌های کارگران شد. همچنین صنعتی شدن با افزایش جمعیت، ایجاد تنوع در طبقات و گروه‌های ساکن در شهر، گونه‌ای از بافت‌ها و اشکال زیستی را ایجاد نمود که با گونه‌های پیش از خود بسیار متفاوت بود. در ایران از دیرباز یکی از عوامل مهم زوال و یا رونق شهرها، تحولات سیاسی و نظامی کشور بوده است که جایگاه شهر، میزان تأثیرپذیری آن از تحولات کشوری متغیر بوده است.

کرمانشاه یکی از مهمترین شهرهای باستانی ایران و مهمترین شهر منطقه مرکزی غرب ایران است که پیدایش آن به دوره حکومت ساسانیان برمی‌گردد (مستوفی، به نقل از مرآت، ۱۳۷۵: ۷۲). و به دلیل ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی و موقعیت استراتژیک آن که در میانه راه مواصلاتی شرق به غرب واقع شده بود همواره به عنوان پایتخت دوم ساسانیان مورد توجه بوده است (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۱۲). این شهر در دوران گذشته نقش‌های متنوع و متمایزی داشته است و محور مناسبات اقتصادی در ایران بوده است. با این حال، در طول تاریخ بارها در معرض تخریب و بازسازی و تغییر جایگاه قرار گرفته و به مرور زمان از اهمیت پیشین آن کاسته شده است. به نظر می‌رسد عدم توفیق کرمانشاه در کسب جایگاه واقعی خود طی قرون اخیر احتیاج به تبیین دارد. سؤالی که در این مقاله سعی شده است به آن پاسخ داده شود این است که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های بسیاری در کرمانشاه، چه عواملی در افول جایگاه آن نقش داشته و وضعیت فعلی آن تابع چه بسترها و زمینه‌هایی است. تمرکز ویژه مقاله بر چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه شهر است و در این راستا سعی شده با استفاده از دیدگاه اندیشمندان کرمانشاهی به تحلیل وضعیت موجود توسعه کرمانشاه پرداخته شود.

۲- مبانی نظری

در تبیین چگونگی شکل‌گیری و توسعه شهرها مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی از سوی اندیشمندان مطرح شده‌اند. یکی از این عوامل، فعالیت‌های نظامی بوده است. تأثیرگذاری جنگ‌ها بر شکل‌گیری و توسعه شهرها به اشکال مختلفی اتفاق افتاده است. به طور مثال، در اروپا روستاییان برای فرار از مالیات جنگ‌ها و غارت شدن طی لشکرکشی‌ها سعی می‌کرده‌اند به مکانی پناه ببرند که دارای برج و بارو باشد و

برای آنها امنیت جانی و مالی فراهم کند (پیرین^۱، ۱۹۲۵؛ ممفورد^۲، ۱۹۶۰). گلیزر و شاپیرو^۳ (۲۰۰۱) توسعه شهرها را نیز متأثر از فضای ناامن سیاسی و نظامی می‌داند: «شهرها در طول تاریخ نسبت به حملات زمینی محافظت ایجاد کرده‌اند. شهرها دارای مزیت دوگانه‌ای بوده‌اند. هم شمار زیادی افراد در آنها زندگی می‌کرده و هم دیوارهای بلندی داشته‌اند. این دو عامل باعث شده که زندگی در شهرها نسبت به انزوای خطرناک روستاها ترجیح داشته باشد و همین عامل باعث رشد شهرها در اقصی نقاط جهان بوده است» (گلیزر و شاپیرو، ۲۰۰۱: ۵).

به اعتقاد بیل^۴ و همکاران (۲۰۱۱) سه نوع جنگ در وضعیت توسعه شهرها مؤثرند که عبارتند از: جنگ‌های حکومتی^۵، درگیری‌های داخلی^۶ و نزاع‌های مدنی^۷. جنگ‌های حکومتی جنگ‌هایی هستند که بازیگران بین‌المللی به صراحت و به طور مستقیم در آنها نقش دارند. جنگ‌های داخلی نوعی از جنگ‌ها هستند که در آنها دو یا چند گروه در داخل کشور با هم درگیری خشونت‌آمیز دارند و حداقل یکی از گروه‌ها طرف حکومت مرکزی است. در این نوع جنگ‌ها، درگیری به خاطر در کنترل گرفتن نهادهای دولتی یا محدوده‌ای خاص در داخل قلمرو حکومت است. نزاع‌های مدنی به طیف گسترده‌ای از انواع درگیری‌ها گفته می‌شود که ممکن است در شهرها به وقوع بپیوندند. مانند درگیری باندهای تبهکار، شورش‌های فرقه‌ای و مذهبی و اعتراضات خشونت‌آمیز در واکنش به قصور حکومت در برخی مسائل. در جنگ‌های حاکمیتی، شهرها و بویژه شهرهای بزرگ به عنوان قلمروهای بسیار مهمی در کشور ارزیابی می‌شوند، به گونه‌ای که امنیت آنها می‌تواند یک اولویت مهم برای حکومت‌ها باشد. این اهمیت در طول فرایند بازسازی پس از جنگ نیز حفظ می‌شود. بنابراین دولت‌ها بنا به دلایل امنیتی از شهرهای بزرگ در مقابل تهدیدها محافظت نموده و در جهت توسعه و آبادانی آنها تلاش می‌کنند.

از سوی دیگر، شهرها هر قدر بزرگتر بوده و منابع بیشتری در آنها تجمع یافته بودند هدف‌های جذاب‌تری برای غارتگری‌ها قلمداد می‌شده‌اند. بنابراین در صورت مساوی بودن سایر شرایط، طرف‌های جنگ ترجیح می‌داده‌اند شهرهای بزرگتر را هدف قرار دهند (گلیزر و شاپیرو، ۲۰۰۱).

غیر از عوامل مذکور، شرایط اولیه شهرها نیز در توسعه آنها مؤثر بوده است. به طور مثال، وجود رودخانه‌ها برای حمل‌ونقل و تجارت در رشد مناطق شهری تأثیر داشته است (روکان^۸، ۱۹۷۵). تیلی (۱۹۹۲) بر اهمیت نقش فعالیت‌های تجاری اولیه در این زمینه تأکید دارد. ابرامسون و بواکس^۹ (۲۰۱۴) معتقدند که گروه‌های شهری بیشتر احتمال داشته از نواحی کشاورزی تشکیل شوند. وایت^{۱۰} (۱۹۶۲) و اندرسن^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۳) وجود خاک رس را در تشکیل شهرهای بزرگ مؤثر می‌دانند.

1. Pirenne
2. Mumford
3. Glaeser and Shapiro
4. Beall
5. Sovereign conflict
6. Civil conflict
7. Civic conflict
8. Rokkan
9. Abramson and Boix
10. White
11. Andersen

تعدادی از صاحب‌بنظران بر نقش عوامل سیاسی در این زمینه تأکید کرده‌اند (دلانگ و شلیفر^۱؛ ۱۹۹۳؛ آکموگلو^۲ و همکاران، ۲۰۰۵؛ ون زاندن^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). به اعتقاد آنان، بین دولت، به عنوان نهادی که از حقوق مالکیت خصوصی محافظت می‌کند، و تشکیل شهرهای بزرگ رابطه وجود دارد. اما استاساویج^۴ (۲۰۱۴) برخلاف آنها معتقد است که شهرهای خودگردان به خاطر ساختار الیگارشی خود دارای عواقب بلندمدت منفی برای شهرنشینی بوده‌اند. سایر اندیشمندان بر اهمیت نقش سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند. به طور مثال، دیتمار^۵ (۲۰۱۱) شواهدی ارائه نموده که نشان می‌دهد شهرنشینی درجایی دارای سریع‌ترین رشد بوده که مطبوعات چاپی قابل حمل در آنها، که ترویج مهارت‌های تجاری جدید را گسترش می‌دهد، وجود داشته است.

کانتونی و یوتمن^۶ (۲۰۱۴) بر اهمیت نقش آموزش دانشگاهی در بهبود زیرساخت‌های قانونی و کاهش هزینه‌های تجارت تأکید ورزیده‌اند. گریف و تابلینی^۷ (۲۰۱۰) معتقدند که روابط خویشاوندی ضعیف منجر به رشد شهری شده زیرا این امر راهی برای تسهیل همکاری‌های گسترده بوده است. وویتلندر و وت^۸ (۲۰۱۳) تعامل پویا بین جنگ، بیماری و شهرنشینی را پس از واقعه مرگ سیاه در قرن چهاردهم اروپا مطالعه کرده‌اند و بر این باورند که این شوک جمعیتی یک رشته از وقایع را در پی داشته که با تقاضای بیشتر برای تولیدات کارخانه‌ای و شهرنشینی شروع شد و اروپا را قادر ساخت که از میانه اقتصاد مالتوسی ظهور یابد.

در تحلیل شرایط ویژه ایران، احمد اشرف (۱۳۵۹) نیروهای محرکه جامعه در شهرهای اسلامی را دو نیروی اجتماعی اصناف و قدرت سیاسی می‌داند. به اعتقاد وی، حضور قدرت سیاسی در شهر و زور فرمانی حکومت بر جامعه شهری به بهانه نامنی بوده است: «حکومت خود کامه از طریق نظارت بر اموال و حقوق تجارتنی و مصادره اموال تجار بزرگ سلطه سنگینی بر بازاریان وارد می‌کند. این حکام در مواردی با همکاری برخی روحانیون به مصادره بخش فراوانی از اموال در گذشتگان می‌پرداختند. از پرداخت قرض‌هایی که از تجار دریافت می‌کردند، یا از پرداخت بهای کالاهایی که از تجار خریداری می‌کردند، خودداری می‌کردند و در صورت ایستادگی در برابر زورگویی‌های حکومت، فشار بر تجار و بازاریان اعمال شده، کار و آنها و بازارها از سوی شاهزادگان و قشون دولتی غارت می‌شد و از تجار به عناوین و بهانه‌های گوناگون مانند پیشکش و تعارف و تأمین مخارج قشون اخاذی می‌شد» (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۹).

به نظر اشرف، این عامل موجب پدید نیامدن اجتماع شهری به عنوان اجتماعی همبسته و خود فرمان از شهروندان است که مانع توسعه شهر به صورت مستقل می‌گردد. بر اساس این تحلیل، اگرچه روند توسعه شهر و شهرنشینی در ادواری که دولت‌ها قدرتمند بوده‌اند در شهرهای ایران وجود داشته اما مدنیت شهر و شهروندی به عنوان زیربنای توسعه خود اتکای شهری نمی‌توانست وجود داشته باشد (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۴).

1. De Long and Shleifer
2. Acemoglu
3. van Zanden
4. Stasavage
5. Dittmar
6. Cantoni and Yuchtman
7. Greif and Tabellini
8. Voigtlander and Voth

بر اساس استدلال دیگری، عدم ثبات وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور مانع توسعه شهرها در ایران بوده است، به این ترتیب که اولاً، تنش سیاسی مداوم در ایران مانع از تشکیل یک قدرت متمرکز سیاسی بوده و نیروهای ایلات و عشایر همواره در ستیز برای دستیابی به سلطه و قدرت سیاسی بوده‌اند (اسمیت، ۱۹۷۸؛ لمبتون، ۱۹۷۰؛ مهدی، ۱۹۸۳ به نقل از پارسى، ۱۳۹۳). علت آن استقرار اقتصاد ایران بر محور شبانی و کوچندگی بوده است، شیوه تولیدی که تحت سه شرط عمل می‌کرد: ۱- فقدان مفهوم روشن از مالکیت زمین ۲- شیوه تولید مبتنی بر تصرف و بهره‌برداری از حیوانات و چراگاه‌ها بر اساس سازمان‌دهی کوچ و سکونت ۳- فقدان بازار و مبادله پولی میان قبایل کوچنده و دستیابی به قدرت سیاسی قشری دارای اندیشه‌های ایدئولوژیک با منشأ شبانی کوچنده (چایچیان، ۱۳۹۰: ۴۰). این وضعیت باعث می‌شد که نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران همواره درگیر تنش باشد. با توجه به برهم کنش عوامل مختلف در شکل‌گیری مدنیت شهری، شکل شهری زندگی نیز از داشتن ثبات نسبی برای شهرگرایی پایدار محروم می‌ماند و امکان تحقق نظام‌مند فرهنگ لازم برای توسعه شهر ممکن نمی‌شد.

در تبیین وضعیت توسعه کرمانشاه، لازم است علاوه بر شرایط حاکم بر توسعه شهرهای ایران، به ویژگی‌های این استان نیز توجه داشت. یکی از این خصوصیات، مرزی بودن استان و قرار داشتن آن در مسیر تجاری و فرهنگی شرق به غرب است. مرزی بودن واجد پیامدهای مثبت و منفی برای توسعه شهرها شناخته می‌شود. این ویژگی معمولاً از دو بعد اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. از بعد اقتصادی، مرزی بودن در صورتی که محدوده مرزی از وسعت و انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشد می‌تواند به توسعه شهر کمک کند (کولوزو و اسکات^۱، ۲۰۱۳). همچنین در صورتی که بین دو سوی مرز اشتراکات تاریخی و فرهنگی وجود داشته باشد (جانپور و همکاران، ۱۴۰۰)، اقتصاد ملی به قدر کافی قوی نباشد (کوپوس^۲، ۲۰۰۱) و اقتصاد دو سوی مرز در یک سطح از توسعه‌یافتگی باشد می‌توان امیدوار به توسعه منطقه مرزی بود.

سایر پارامترهای تأثیرگذار عبارت‌اند از: وضعیت توریسم، مهاجرت و سیاست‌های دولت (مالینوشفسکا^۳، ۲۰۲۱). هرچند انزوای جغرافیایی در کل باعث انزوای اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی نسبت به تحولات توسعه‌ای مناطق مرکزی کشور است اما در هر صورت توسعه یک منطقه مرزی همانقدر که در گرو خصوصیات داخلی آن است متأثر از شیوه‌ای نیز است که مدیریت می‌شود (سرماک^۴، ۲۰۰۷). از بعد سیاسی، امنیت به‌طور سنتی به مرزها نسبت داده می‌شود و این امر باعث توجه به شهرهای مرزی و اهمیت یافتن آنها می‌گردد. اما از سوی دیگر، امنیت سرمایه‌ها و زیرساخت‌ها در یک رویکرد امنیت محور ایجاب می‌کند که در مناطق مرزی سرمایه‌گذاری صورت نگیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۵۶). به این معنی که جایابی مکانی صنایع، تأسیسات و طرح‌های توسعه نیاز به فضاها و مکان‌های امن دارد.

یکی دیگر از خصوصیات کرمانشاه، تنوع قومی و مذهبی آن است. این ویژگی عموماً تسهیل‌کننده ارتباطات و نشانه‌ای از باز بودن و انعطاف‌پذیری جامعه در مقابل تغییرات قلمداد می‌شود. اما تنوع می‌تواند مخرب توسعه نیز

1 . Kolossov. V. and Scott
2 . Copus
3 . Malinoshevska
4 . Sermak

باشد، زیرا به طور کلی نشان‌دهنده وجود طیف وسیعی از تنوع قدرت در جامعه و مستعد ایجاد پیامدهای اجتماعی ناگوار مانند افزایش نابرابری است. به طور مثال، فقدان نهادهای رفاهی در ایالات متحده و سایر جوامع چند فرهنگی تا حد زیادی نتیجه بی‌اعتمادی بین گروه‌های مختلف قومی شناخته شده است. از این رو بسیاری از اندیشمندان تنوع اجتماعی را یک «معضل تشدید شونده» در زمینه توسعه شهر می‌دانند (ورمن^۱، ۲۰۱۵: ۱۲۵).

۳- پیشینه پژوهش

چگونگی رابطه توسعه شهری با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از زوایای مختلفی در پژوهشات پیشین بررسی شده است. یکی از تحلیل‌های جالب در این زمینه از سوی چارلز تیلی^۲ (۱۹۹۲) ارائه شده. وی با بررسی تعامل بین شهرها و جنگ‌ها در شهرهای اروپایی قرون وسطی، نقش این عامل را در تحکیم دولت‌ها به خوبی نمایان ساخته است. تیلی نشان داد که تاجران شهرهای اروپایی در اوایل شروع دوران مدرن، چگونه با حاکمان وقت معامله می‌کردند و در ازای تأمین ثبات شهرها حاضر می‌شدند به جنگ در جهت تحکیم قدرت حاکمان کمک نمایند.

بیل^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، با انجام پژوهش با عنوان «شهرها، جنگ و شکنندگی» با تفکیک سه نوع جنگ از یکدیگر، یعنی جنگ‌های حکومتی^۴، درگیری‌های داخلی^۵ و نزاع‌های مدنی^۶ به تبیین نقش انواع نزاع‌ها در وضعیت شهرها پرداختند. به اعتقاد آن‌ها، جنگ‌های حکومتی که در آنها بازیگران بین‌المللی نقش دارند وضعیتی شکننده را برای توسعه و آبادانی شهرها به وجود می‌آورند. جنگ‌های حکومتی می‌تواند باعث رشد و توسعه شهرها بویژه شهرهای بزرگ شوند زیرا این شهرها دارای اهمیت حیاتی در حفظ حکومت مرکزی بوده و ثبات و امنیت آنها یکی از اولویت‌های مهم کشورها محسوب می‌شود. این اهمیت در طول فرایند بازسازی پس از جنگ نیز حفظ می‌شود. از سوی دیگر، به علت آن که شهرها در جنگ‌های حکومتی در مرکز توجه قرار دارند و تصاحب آنها به عنوان جایزه محسوب می‌شوند در صورت غلبه یافتن بازیگران خارجی اولین نقاطی هستند که مورد تهاجم قرار می‌گیرند و غارت می‌شوند و یا تأسیسات آن نابود می‌شود. نزاع‌های مدنی مانند شورش‌های فرقه‌ای و مذهبی و اعتراضات خشونت‌آمیز گروه‌هایی از مردم در واکنش به قصور حکومت در برخی مسائل، می‌تواند نشانه آغاز بلوغ مدنیت شهری بوده و از وقوع جنگ‌های داخلی بکاهد. پژوهش بیل و همکاران نشان داد که نزاع‌های مدنی نه کاملاً اما نسبتاً در حال افزایش اند و این امر تا حدی به جنگ‌های داخلی ارتباط دارد که رو به کاهش بوده و مرتبط با فرایند شهرنشینی، بعضی اوقات منجر به نزاع‌های مدنی می‌گردد.

دینککو^۷ و اونوراتو^۸ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «جنگ نظامی و ظهور اروپای شهری» شواهدی ارائه کردند که نشان می‌دهد بین جنگ و رشد جمعیت شهرها در اروپا در فاصله بین امپراتوری شارلمانی تا شروع انقلاب

1. Vormann
2. Charles Tilly
3. Beall
4. Sovereign conflict
5. Civil conflict
6. Civic conflict
7. Dincecco
8. Onorato

صنعتی رابطه وجود دارد. بر اساس پژوهش آنها، درحالی که تاریخ اروپا سراسر جنگ بوده است شهرها مکان‌هایی بوده‌اند که در آنها مرزهای امنی پیدا می‌شده. وجود رابطه قوی و مثبت بین میزان مواجهه شهرها با جنگ و رشد جمعیت شهری بیانگر آن است که جنگ و درگیری نظامی نقشی اساسی در ظهور اروپای شهرنشین داشته است.

پارسی (۱۳۹۳) با بررسی «پویش شهر، شهرگرایی و شهرنشینی در قرون سوم تا پنجم هجری در ایران» به تبیین پویش شهری در ایران از طریق تحلیل پویایی عمومی توسعه شهرنشینی و شهرگرایی و تبیین ساختار و مفهوم شهر پرداخت و در این راستا رویکردها و روند تدارک تولید مازاد، تحول سیستمی متعادل نیروهای حکومت محلی با بازار، اصناف و سایر بنیان‌های اجتماعی آن، توسعه روند شهرنشینی و توسعه شهرگرایی را بررسی نمود. مهمترین یافته پژوهش وی، ملازمت روند شهرنشینی و شهرگرایی در دوره مورد بررسی بوده است. در دوره غزنویان و سلجوقیان این امر با چالش مواجه شد، به گونه‌ای که الگوی سیاسی حکام محلی و جانبداری از خلفا، نابودی استقلال نسبی اصناف، منازعات فرساینده گروه‌های خردگرا و جنبش‌های اجتماعی مردمی با خود و با حکومت و منازعات دینی، به تدریج خردگرایی و مؤسسات مدنی و علمی را در شهر زایل کرد، حاکمیت عقل از صحنه اجتماعی رخت بریست و زوال عقل و عدم ملازمت شهرنشینی و شهرگرایی به پیش شرط زوال شهر آزاداندیش بدل شد.

کلهر (۱۳۸۶)، پژوهشی با عنوان «بررسی موانع رشد شهرنشینی در کرمانشاه در دوره قاجار» انجام داد. او در مقاله خود ضمن اشاره به اهمیت شهر کرمانشاه به عنوان تنها شهر منطقه غرب کشور و ذکر خصوصیات شهرها در مناطق کردنشین، به بررسی موانع شهرنشینی در دوره قاجار در این مناطق می‌پردازد. وی با بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی کرمانشاه در عصر قاجار عامل شیوه زیست ایلی و عشائری را موجب ناکام بودن شهر در زمینه توسعه می‌داند. لذا وی در بررسی تاریخی خود، به ضعف تجار کرد به منظور نیل به قدرت، عدم حمایت تجار از انقلاب مشروطیت، عدم تکوین سرمایه‌داری، به عنوان عوامل عدم رشد شهرنشینی در این منطقه اشاره می‌کند.

۴- روش پژوهش

این پژوهش به روش کیفی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز به روش میدانی و از طریق مصاحبه با افراد مطلع و اندیشمندان کرمانشاهی به دست آمده است. تعداد مصاحبه‌شوندگان ۲۲ نفر بوده و تعیین این حجم از نمونه با توجه به اشباع نظری صورت گرفته است. در گزینش افراد نمونه از روش انتخاب هدفمند استفاده شده، به این ترتیب که افرادی برای مصاحبه انتخاب شده‌اند که تصور می‌رفت در رابطه با توسعه و تاریخ شهر کرمانشاه و تحولات آن دارای بیشترین اطلاعات هستند. اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این روش، ابتدا مضامین موجود در بیان اندیشمندان استخراج و کدگذاری شدند، سپس مضامین بدست آمده تحلیل و تفسیر شدند.

جدول ۱. اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

اسم مستعار	حوزه تخصصی	اسم مستعار	حوزه تخصصی
P1	پژوهشگر باستان‌شناسی	P12	شهروند مطلع
P2	پژوهشگر فرهنگ	P13	مدیرمسئول هفته‌نامه
P3	مبتکر کرمانشاهی	P14	پژوهشگر
P4	محقق و روزنامه‌نگار	P15	مطلع کرمانشاهی
P5	روزنامه‌نگار	P16	مطلع حوزه ورزش کرمانشاه
P6	شاعر و محقق	P17	هنرمند و نقاش
P7	نویسنده در حوزه فرهنگ	P18	پژوهشگر فرهنگ و ادبیات
P8	شاعر و نویسنده	P19	پژوهشگر در حوزه فرهنگ
P9	هنرمند و خطاط کرمانشاهی	P20	مطلع حوزه شهری، معماری
P10	استاد دانشگاه	P21	استاد دانشگاه رازی
P11	نویسنده کتاب در مورد کرمانشاه	P22	محقق کرمانشاهی

۵- یافته‌های پژوهش

اندیشمندان کرمانشاهی، در رابطه با تغییرات به وجود آمده در کرمانشاه، بسترها و علل تغییرات و همچنین ظرفیت‌ها و استراتژی‌های بهبود شرایط توسعه کرمانشاه دیدگاه‌های متنوعی ابراز نموده‌اند، اما در میان دیدگاه‌ها، خطوط کلی مشترکی را می‌توان مشاهده کرد که به طور خلاصه در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۵-۱- شکل‌گیری هویت متناقض شهری

ابعاد تغییرات و توسعه شهر از نظر مشارکت کنندگان در ۸ بعد مقوله‌بندی شد، شامل مدرن بودن شهر، استمرار توسعه، چهره زیباشناختی، سازگاری معماری با فرهنگ، خاصیت درون‌گرایی معماری، افول اخلاق شهری، فرهنگ شهروندمدار و تعلق و دلبستگی به شهر که پس از تلفیق در چهار خرده مقوله مدرن شدن شهر، انطباق توسعه شهری با فرهنگ، اخلاق شهر و شهروندی و در نهایت تعلق به شهر بازسازی گردید.

جدول ۲. ابعاد تغییرات شهر در شکل‌گیری هویت متناقض شهری

ردیف	ابعاد شهر	خصوصیات	خرده مقولات
۱	مدرن بودن شهر	سنتیمدرن	مدرن شدن شهر
۲	استمرار توسعه	پسرفتپیشرفت	
۳	چهره زیباشناختی	زیباآشفته	انطباق با فرهنگ
۴	سازگاری معماری با فرهنگ	کمزیاد	
۵	خاصیت درون‌گرایی معماری	درون‌گرابرون‌گرا	
۶	افول اخلاق شهری	کمشدید	اخلاق شهری
۷	فرهنگ شهروند مدار	ضعیفقوی	
۸	تعلق و دلبستگی به شهر	کمزیاد	تعلق به شهر

در توصیف بعد مدرن شدن، می‌توان گفت که در یک فرایند توسعه از سنتی بودن به سمت مدرن شدن این فرایند به درستی طی نشده است و در این مسیر استمرار توسعه شهر در یک طیف پسرفت تا پیشرفت به زعم مشارکت‌کنندگان به سمت پسرفت بوده است. به عنوان مثال، شرکت‌کننده P5 در رابطه با وضعیت شهر، آن را به عنوان «روستایی بزرگ» توصیف کرده است:

«کرمانشاه یک روستای بزرگ است که دارای مظاهر شهری و مدرنیزاسیون (بلوار، آپارتمان‌ها، خیابان‌ها و ...) می‌باشد اما مردم آن شهرنشین هستند نه شهروند یعنی دارای رفتارهای سنتی و ایلی و قومی می‌باشند درحالی‌که در شهرها باید شهروند باشد یعنی رفتارها و هنجارهای شهری باشند که متأسفانه نیستند که شما اگر در سر چهارراه‌ها به رفتار رانندگان توجه بفرمائید برخوردهای رانندگان با یکدیگر و یا دعوای خیابانی نمونه‌ای از آنها می‌باشد، خلاصه کرمانشاه ما شهری توسعه‌نیافته و در یک کلمه روستایی بزرگ می‌باشد»

در بعد انطباق توسعه شهری با فرهنگ و روحیه مردم می‌توان گفت که توسعه شهری کمتر با فرهنگ مردم سازگار بوده است. از یک طرف جنبه‌های زیباشناختی در جهت آشفته‌گی بوده تا زیبایی و از طرف دیگر در زمینه انطباق درون‌گرایی - برون‌گرایی حاکی از ناهماهنگی در این زمینه است. درحالی‌که فرهنگ مردم دارای ماهیتی درون‌گرا است اما توسعه جنبه‌های معماری شهری به برون‌گرایی تمایل دارد. در این زمینه شرکت‌کننده P1 معتقد است که:

«در گذشته با توجه به غلبه ارزش‌های مذهبی و سنتی، معماری خانه‌ها درون‌گرا بوده به گونه‌ای که در یک فضای بزرگ، دورتادور حیاط را اتاق‌ها در برگرفته و همه پنجره‌ها به درون حیاط باز می‌شده است. اما امروزه معماری برون‌گرا رواج عمومی یافته به گونه‌ای که همه پنجره‌ها رو به بیرون باز می‌شود، تراست و بالکن مرسوم شده و این مسئله در حالی است که ارزش‌های سنتی و مذهبی همچنان به قوت خود باقی است و می‌توان مشاهده کرد که ناسازگاری بین معماری و ارزش‌های سنتی و مذهبی وجود دارد که نمود آن را در قراردادن حفاظت مقابل تراست‌ها می‌توان مشاهده کرد. متأسفانه در کرمانشاه همانند سایر شهرها ساخت‌وسازهای به سوی الگوهای غربی پیش می‌رود و کمتر به ارزش‌های سنتی در آن توجه می‌شود درحالی‌که مردم شدیداً پایبند به این ارزش‌ها هستند»

همچنین شرکت‌کننده P4 گفته است:

«این شهر در حد یک روستای بزرگ ساختمان‌هایش ازدیاد پیدا کرده است. هیچ امکان رفاهی و یا نشانی از معماری که دل بر زیباشناسی شهر باشد و برای سلامت روانی و زیستی مردمان و شهروندان لازم است به وجود نیامده است. گوشه و کنار کارهایی شده اما در متن شهر نه»

از نظر توسعه اخلاق شهری، صاحب‌نظران معتقدند که در کرمانشاه کمتر با یک توسعه برای شهری شدن اخلاق بوده‌ایم، اتفاقاً برعکس، این فرایند در جهت افول اخلاق شهری و شکل‌گیری اخلاق خاص هستیم که شباهت چندانی نه با اخلاق سنتی دارد و نه مدرن. فرهنگ شهروندمدار به اندازه کافی در آن پیشرفت نکرده است. چنان‌که شرکت‌کننده P10 در این زمینه گفته است:

«شهر بزرگتر شده عمران و آبادانی بیشتر شده، جمعیت افزایش یافته اما از جهت فرهنگی و رشد شاخص‌های شهروندی تغییر چندانی مشاهده نمی‌گردد»

همچنین شرکت‌کننده P9 معتقد است که:

«شهر وسیع تر شده و مساجد و خیابان‌ها بزرگ‌تر و بیشتر شده نسبت به گذشته، بافت قدیمی شهر از بین رفته، زبان کرمانشاهی اصالت و اصلیت خود را ازدست داده و لهجه‌ها متفاوت و ازهم پاشیده شده است. در دوران قبل از انقلاب یهودیان و آرامنه زیادی در شهر کرمانشاه ساکن بودند اما بعد از انقلاب از این شهر مهاجرت کردند و تعداد معدودی از این افراد ماندگار شدند»

به باور اندیشمندان، فرهنگ شهروندی در این شهر بسط نیافته و مهاجرین روستایی با فرهنگ قومی و طایفه‌ای خود در آن تعامل دارند. همچنین، کرمانشاه را شهری مظلوم توصیف کرده‌اند که در طول تاریخ مدام در معرض تاخت و تازهای نظامی قرار داشته است. سابقه تمدن و فرهنگ شهر نیز در تصویر آنان جایگاه مهمی دارد. اما چهره دیگر شهر که امروزه به شکل ناراحت کننده‌ای خودنمایی می‌کند آشفتگی و بی‌نظمی ناشی از گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه پس از جنگ است:

«مهاجرت بیش از شش برابری جمعیت اصلی، اگر مهاجرین از یک فرهنگ و تمدن مناسب بودند به توانایی‌های شهر می‌افزودند اما متأسفانه مهاجرینی با خرده فرهنگ‌های قومی، ایلی و روستایی کرمانشاه را به روستایی بزرگ تبدیل کرده‌اند. کرمانشاه در چهل تا پنجاه سال پیش شهر کوچکی بوده با شهروندانی متمدن و امروز روستایی بزرگ است با ساکنین روستایی» (P12).

از نظر کالبدی، بافت قدیمی شهر بر اثر گسترش شهرنشینی و مدیریت نامناسب شهری تضعیف شده و جای آن را آپارتمان‌ها و فضاهای جدیدی گرفته است، به گونه‌ای که شهر دچار هویت متناقض با گذشته خود شده. تغییرات کالبدی شهر علاوه بر نابودی میراث فرهنگی و هویت تاریخی شهر، با فرهنگ مردم نیز سازگار نیست. علاوه بر آن، معماری جدید دارای خاصیتی است نه از نظر رفاه و نه زیبایی نتوانسته رضایت ساکنانش را کسب کند و این موضوع در مقوله فقدان انطباق معماری با علایق فرهنگی مردم است که در زبان اندیشمندان به عنوان تقابل معماری دیروز و معماری مطرح شده است. طرح‌های عمرانی به صورت کارشناسی نشده اجرا می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت تغییرات به وجود آمده در کرمانشاه به اعتقاد اندیشمندان، وسیع و گسترده است. تغییرات کالبدی ایجاد شده شامل وسعت یافتن شهر، از بین رفتن بافت قدیمی و جایگزین شدن آن با آپارتمان‌های جدید می‌باشد.

۲-۵- شکل‌گیری ناهمگون هویت فرهنگی

مقوله ناهمگونی هویت فرهنگی شهر از جمله مقولات اصلی شکل گرفته از نظر صاحب‌نظران بوده است این مقوله شامل کاهش انسجام فرهنگی، اختلال در انتقال فرهنگی بین نسلی، تضعیف اخلاق شهروندی، تضعیف حوزه‌ها و زمینه‌های فرهنگی مثل زبان، موسیقی سنتی، ورزش پهلوانی و غیره بوده است.

کرمانشاه در گذشته دارای یک فرهنگ متکثر و هماهنگ بوده است. امروزه این فرهنگ‌ها در عین اینکه انسجام و سازگاری خود را ازدست داده‌اند اما خاصیت تنوع مذهبی نیز عمدتاً از دست رفته است، رشد و شکوفایی فرهنگی خود را از دست داده است. بخشی از موضوع ناهمگونی در هویت فرهنگی ناشی از اختلال در انتقال فرهنگی است. لازمه رشد و شکوفایی در فرهنگ یک شهر اشاعه ایده‌ها و افکار و نوآوری‌ها در یک پیوند زنجیروار با پیشینه و سنت است، اما طی واکاوی نظرات مشارکت‌کنندگان، گسست عمیقی در رشد و بسط

تمدن و فرهنگ شهری وجود دارد. تضعیف افتخارات و اسطوره‌ها و قطع ارتباط نسل جدید با تاریخ و فرهنگ فرایند انتقال فرهنگی را دچار اختلال کرده است. در این رابطه شرکت‌کننده P12 می‌گوید:

«هیچ شهری بدون آگاهی‌های عمومی، تجربه‌های تاریخی لاینقطع، خاطرات و مروت و مدارا ماندگار نخواهد بود. انقطاع تجربه‌های تاریخی موجب می‌شود اهالی بومی بیستون به وقف نامه شیخ علی‌خان نام عقدنامه شیرین بگذارند!!!»

به همین صورت P2 بیان می‌کند:

«روند ساخت و ساز در شهر به گونه‌ای خارج از عرف شهرسازی پیش رفته که چهره‌ای عجیب و غریب به شهر داده بافت قدیمی شهر به جای این‌که بازسازی گردد تا برای نسل آینده نشانگر پیشینه تمدن و مدنیت در کرمانشاه باشد تخریب و به‌جای آن ساختمان‌های افقی، ساختمان‌های عمودی جایگزین می‌شوند ای کاش غیر ایرانی می‌بود»

جدول ۳. مفاهیم حوزه فرهنگ، خرده مقولات و تم اصلی شکل‌گیری هویت شهری

ردیف	مفاهیم حوزه فرهنگ	خرده مقولات	تم اصلی
۱	کاهش همگونی فرهنگی	کاهش انسجام فرهنگی	شکل‌گیری ناهمگون- هویت فرهنگی
۲	کمرنگ شدن خاصیت تنوع مذهبی		
۳	اختلال در رشد و شکوفایی فرهنگی	اختلال در انتقال فرهنگی بین نسلی	
۴	از میان رفتن تمدن و فرهنگ شهری		
۵	تضعیف افتخارات و اسطوره		
۶	قطع رابطه نسل جدید با تاریخ، فرهنگ		
۷	تضعیف اخلاق مداری شهروندان	تضعیف اخلاق شهروندی	
۸	تضعیف جایگاه موسیقی سنتی	تضعیف حوزه‌های فرهنگی	
۹	تضعیف جایگاه ورزش پهلوانی		

۳-۵- تغییرات اجتماعی در جهت افزایش بی‌نظمی اجتماعی

در فرایند انتزاع مفهومی از تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، گسترش بی‌نظمی‌های اجتماعی به عنوان مقوله اصلی شکل‌گرفت که حاصل سه خرده مقوله تغییرات و تحولات جمعیتی، گسترش بی‌اعتمادی اجتماعی و گسترش آنومی اجتماعی بوده است. از نظر ساختاری، تحولات جمعیتی به شکل رشد درون جمعیت و مهاجرت گسترده رخ داده است. افزایش آنومی اجتماعی نیز حاصل افزایش بی‌نظمی اجتماعی و تغییرات ساختاری ناموزون بوده است. در این زمینه که P15 می‌گوید:

«جنگ خود یکی از عوامل بود که سرمایه‌داران شهر مال و فرزند عیال خود را بردند در شهرهای دیگر ساکن شدند و حاضر نشدند که پشت سر خود را نگاه کنند و بگویند این سرمایه‌های من از مردم این شهر به من رسیده است. بردند و در استان‌های دیگر خصوصاً تهران و کرج ساکن شدند و هم آنجا سرمایه‌گذاری کردند. شهر که داشت مقداری نظم می‌گرفت با هجوم سیل مهاجران جنگی خصوصاً روستاها و شهرهای دیگر بی‌نظمی در شهر به وجود آمد که هنوز هم ادامه دارد»

جدول ۴. مفاهیم، خرده مقولات و تم‌های گسترش بی‌نظمی اجتماعی در شهر

ردیف	مفاهیم	خرده مقولات	تم‌ها
۱	رشد بی‌سابقه جمعیت	رشد و توزیع نامتناسب جمعیت	گسترش بی‌نظمی اجتماعی
۲	مهاجرت گسترده		
۳	کاهش اعتماد	افزایش بی‌اعتمادی	
۴	افزایش بی‌نظمی اجتماعی	افزایش آنومی اجتماعی	
۵	تغییرات ساختاری ناموزون		

۴-۵- تغییرات سیاسی در جهت افول فرهنگ و رفتار سیاسی

در حوزه فرایند تحولات سیاسی شهر، مقوله کلی به دست آمده افول فرهنگ و رفتاری سیاسی است که حاصل چهار خرده مقوله مدیریت غیرتخصصی، ناآگاهی و بی‌تفاوتی مردم، ماهیت ضد توسعه‌ای نخبگان و امنیتی شدن شهر بوده است. مدیریت غیرتخصصی حاصل حذف اندیشه‌ها از مدیریت شهری و تصمیم‌گیری غیرتخصصی و مبتنی بر دانش عامه بوده است. چنان‌که شرکت‌کننده P13 می‌گوید:

«مسائلی مانند نگرش مسئولین شهر، نحوه اجرای مدیریت شهری، رابطه میزان تحصیلات مدیران شهری با حوزه مأموریت آنها و میزان ارتباط کارها آنها با کاری که انجام می‌دهند از دیگر عوامل می‌باشد»

بخشی از مشکلات رفتاری سیاسی مردم شهر مربوط به بی‌تفاوتی آنها نسبت به سرنوشت خود و رفتار سیاسی ناآگاهانه و غیرمنطقی خود است و بخش بزرگی نیز ناشی از بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت شهر است. در گروه نخبگان نیز روند جاری حاکی از ماهیت ضد توسعه‌کنندگی آنها بخشی به دلیل رخوت و بی‌انگیزگی و بخشی به دلیل جایگزینی اهداف شخصی با مصالح شهر است. تسلط این گروه بر شاهراه‌های اصلی اقتصاد و سیاست شهر است که در کلام مشارکت‌کنندگان با اصطلاح خواص معرفی شده‌اند. آنها نتوانسته‌اند نقش سازنده‌ای در تحولات شهر ایفا کنند. در این زمینه شرکت‌کننده P1 می‌گوید:

«بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خودشان و خیانت و معامله‌گری خواص کرمانشاه مثل ... که منافع شخصی خود را بر منافع عمومی شهروندان ترجیح می‌دهند، نبودن و فقدان نهادهای مدنی و NGO ها که بتواند در رفع معضلات شهر، مسئولین کمک نماید. بی‌تفاوتی مسئولین به سرنوشت شهروندان حیف و میل اعتبارات عمرانی شهر و طرح‌های کارشناسی نشده مثل همین تقاطع میدان امام حسین (ع) که خود معضلی برای شهر شده است و با طرح شکست خورده منوریل که خسارات مادی و غیرمادی زیادی به شهر وارد کرد»

همچنین مشارکت‌کننده P14 تصویر وضعیت زیست سیاست شهر را در عوامل زیر بیان می‌کند:

«عدم شناخت فرصت‌طلبان و مظاهران توسط دستگاه‌های مسئول، انتخابات انجام شده با ملاک سفره‌های رنگین، ایلی و طایفه‌ای، پول و روغن و مواد غذایی، کنار کشیدن نخبگان و اندیشمندان برای دور ماندن از تهدید و تخریب!! عدم شناخت و آگاهی اکثریتی از مردمان که منافع گروهی را

فدای منافع شخصی می‌کنند و در یک کلام نمایندگان و مسئولینی که برای رسیدن به مقام و جایگاهشان «کاسه را بجایی می‌فرستند که باز آرد قدح»

بخشی از فرایند افول فرهنگ سیاسی ناشی از تسلط یک گفتمان امنیتی بر توسعه شهر به دلیل آسیب‌های ناشی از جنگ و در نتیجه دخالت‌های بخش امنیتی نظام سیاسی در مدیریت و توسعه شهر بوده است. شرکت‌کننده P20 عوامل را در وضعیت موجود شهر چنین بیان می‌کند:

«عدم مدیریت کلان در شهرسازی و نحوه پیشرفت آن بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگی و بومی، غفلت از زیر ساخت‌های فرهنگی، سودجویی، سیطره مدیران...، ضعف نهادهای اقتصادی و فرهنگی مردمی، بی‌توجهی به حمل و نقل عمومی، بی‌برنامه‌گی در ساماندهی مشاغل، مزاجم شهری، مهندسی عمران و ساختمان بدون توجه به هویت فرهنگی شهر، دخالت نیروهای خارج از حیطه قانون در تصمیم‌گیری‌های کلان‌شهری و فرهنگی و اجتماعی»

به‌طور کلی مهمترین مفاهیم شکل‌دهنده به خرده مقولات و تم اصلی از زبان مشارکت‌کنندگان عبارت‌اند از: مدیریت غیر تخصصی امور شهر، حذف اندیشه‌ها از مدیریت شهری، عدم مشارکت و بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خو، رفتار سیاسی غیر آگاهانه مردم، رخوت و معامله‌گری نخبگان کرمانشاه، تمرکز بر زندگی سیاسی و جدا کردن خودی از غیر خودی، حضور تسلط ذی‌نفوذان بر اقتصاد و سیاست استان، نبود یا ضعف نهادهای مدنی، دخالت نیروهای خارج از حیطه قانون در اداره شهر

۵-۵- جنگ و ناهماهنگی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور به‌عنوان زمینه شکل‌گیری هویت متناقض شهری

۸ سال جنگ تحمیلی زمینه‌ای برای ایجاد یک فضای آشفتگی و ناهماهنگی در برنامه‌های توسعه‌ای در سطح شهر، استان و کشور بوده است. در کرمانشاه نیز این عامل زمینه‌ای را فراهم کرده که دلایل و استراتژی‌های خاص کنشگران برای شکل‌دهی به وضعیت خاص موجود شهر رقم بخورد. بخش عمده‌ای از این زمینه مربوط به جریان کلی تحولات متناقض ناشی از فرایند مدرنیزاسیون ناهماهنگ و البته پیامدهای جنگ ۸ ساله و تحولات سیاسی مرتبط با آن است. شاید بتوان گفت که شکل‌گیری یک گفتمان امنیتی، شاخص‌ترین عنصر شکل‌دهنده به این زمینه بوده است که به‌طور وسیعی نوع نگاه سرمایه‌گذاران در پرهیز از سرمایه‌گذاری در استان و همچنین مهاجرت فعالان اقتصادی از استان را شکل داده است. چنانکه شرکت‌کننده P18 می‌گوید:

«آهنگ رشد و دگرگونی در همه زمینه‌های مادی و معنوی زندگی بشری، امروز از چنان شتابی برخوردار است که کمترین غفلت از آماده‌سازی بسترهای مناسب رشد، نتایج ناخوشایند و گاه تأسف‌بار در پی خواهد داشت. گاه به نظر می‌رسد که مثل اصحاب کهف، سر خواب برداشته و خود را در جهان دیگری یافته‌ایم؛ بیگانه با شرایط روز، حرکاتی نامتوازن با وضعیت موجود از خود بروز می‌دهیم. اگر به موقع بیدار نشویم، جز گم کردن گذشته و از خود بیگانگی نخواهیم بُرد. تغییر ساختارها در بسیاری موارد، نامتوازن و حتی ناموزون و مشکل‌آفرین بوده است»

همچنین شرکت‌کننده P15 می‌گوید:

«جنگ خود یکی از عوامل بود که سرمایه‌داران شهر مال و فرزند عیال خود را بردند در شهرهای دیگر ساکن شدند و حاضر نشدند که پشت سر خود را نگاه کنند و بگویند این سرمایه‌های من از مردم این شهر به من رسیده است. بردند و در استان‌های دیگر خصوصاً تهران و کرج ساکن شدند

و هم آنجا سرمایه‌گذاری کردند. شهر که داشت مقداری نظم می‌گرفت با هجوم سیل مهاجران جنگی خصوصاً روستاها و شهرهای دیگر بی‌نظمی در شهر به وجود آمد که هنوز هم ادامه دارد»

همچنین شرکت‌کننده P16 معتقد است که:

«جنگی که بر کشور عزیز ما تحمیل شد موجب تغییرات اجباری در بافت اسکان افراد در سایر شهرها گردید این دگرگونی تأثیر بسزایی در امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی شهرها به شهر کرمانشاه بجا گذاشت البته با توجه به پیشرفت‌های به وجود آمده در کشور ما هم در این قافله لاک پشت‌وار حرکت کرده‌ایم»

بخشی از زمینه حاصل نوع برنامه‌ریزی متمرکز در مدیریت کشور بوده است که عمدتاً باعث تمرکز منابع در مرکز و فراموشی و سهم اندک مناطق مرزی در برنامه‌ریزی و توسعه بوده است. شرکت‌کننده P12 در این زمینه چنین می‌گوید:

«از عواملی که در تعیین وضعیت فعلی شهر تأثیر دارد می‌توان به جبر زمانه و گذشت روزگار و تحمیل تجدد و مدرنیزاسیون اشاره نمود که به نظر من مهمترین عامل است»

به‌طور کلی، کدهای مفهومی مدرنیزاسیون ناهمگون، جنگ و تحولات سیاسی، تمرکزگرایی در مدیریت کشور و گفتمان امنیتی مسلط بر توسعه شهر مهمترین مفاهیم شکل‌دهنده خرده‌مقولات و تم اصلی این بعد هستند.

۶-۵- بی‌تفاوتی استراتژی‌های شهروندان برای انطباق با وضعیت

کنشگران در این شرایط به سه گونه واکنش‌های خود را نشان می‌دهند: ۱- کناره‌گیری ۲- واگذاری ۳- تخریب ۱- کناره‌گیری. کنش کناره‌گیری حاصل احساس ناتوانی از تأثیرگذاری و تغییر روند و شرایط است. کنشگران عمدتاً با وجود احساس نوعی از پسرفت، از موضوع فرار می‌کنند. در این زمینه می‌توان به مهاجرت نخبگان و فعالان اشاره کرد، چنانکه مشارکت‌کننده P11 می‌گوید:

«انگیزه مهاجرت بسیاری از خانواده اصیل از زادگاهشان بوده است. نمونه زنده آن جنگ ۸ ساله ایران و عراق که دیدیم بسیاری از کرمانشاهیان رفتند و گروهی دیگر جای آنها را گرفتند، گروهی با فرهنگ ویژه خود داشته‌های بیگانه با خواست ما. و این رفت‌وآمدها و جایگزینی‌ها فرهنگی را در کرمانشاه نشانیده است که بسیار با فرهنگ گذشته ناشناس»

کنش واگذاری، استراتژی شهروندانی است که با وجود احساس ناتوانی از تأثیرگذاری و تغییر، کناره‌گیری نکرده و با حداقل فرصت قناعت در پیش گرفته و عمدتاً نقش اصلی را به افراد ناتوان‌تر از خود واگذار کرده‌اند، چنانکه شرکت‌کننده P16 می‌گوید:

«شهر پتانسیل شکوفایی و پیشرفت را دارد اما این ظرفیت‌ها بستگی کامل به خواست و پیگیری اهالی و توانایی اجرایی افراد دست‌اندرکار آن شهر دارد. متأسفانه اکثر ما در این موارد بی‌تفاوت عده‌ای هم در طلب روزی خود»

همچنین P14 از اکراه و بی‌تفاوتی نخبگان می‌گوید:

«کنار کشیدن نخبگان و اندیشمندان برای دور ماندن از تهدید و تخریب! عدم شناخت و آگاهی اکثریتی از مردمان که منافع گروهی را فدای منافع شخصی می‌کنند و در یک کلام نمایندگان و مسئولینی که برای رسیدن به مقام و جایگاهشان «کاسه را بجایی می‌فرستند که باز آرد قدح»!

اعتراض و تخریب، از جمله استراتژی‌های شهروندانی است که شرایط و روند را قبول ندارند. طیفی از واکنش‌ها از جمله فریاد خاموش، فساد و انحرافات اجتماعی در زمره این استراتژی هستند. در این زمینه شرکت‌کننده P16 از رواج انحرافات می‌گوید:

«باید اقرار کرد با توجه به شاخص‌های پیشرفت حاصلی در کشور متأسفانه ما در موارد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی از خیلی استان‌ها عقب‌تر هستیم، هنوز نتوانستیم مشکلات اساسی جوانان خود را که آینده‌سازان این شهر خواهند بود حل و فصل کنیم بیکاری و اعتیاد غوغا می‌کند. جوانان روزبه‌روز افسرده‌تر می‌شوند امید به آینده را از دست می‌دهند و ...»

همچنین شرکت‌کننده P14 حسرت خود را از روند موجود چنین بیان می‌کند:

«نوستالژی و غم گذشته را فراوان دارم اما مهمترین اتفاق زندگی من در کرمانشاه خود کرمانشاه است، نامش، کوچه‌های تنگ و آشتی‌کنان زیر دالان‌ها، بازار مسگرها و برنجی‌پزها و لاستیک‌برها. جوی‌های آب جاری در درختان طاق‌بستان که تابستان‌ها هفتگی به بیلاق رودهای کوچک می‌رفتیم. سراب قبر و کوچه باغ‌هایی که امروز دیگر بخش مهمی از آنها نابود است و نمایش پهلوان اکبر می‌میرد و کانون پرورش فکری کودکان در اوایل دهه چهل و فیلم عمو سیلو و ...»

۷-۵- پیامدهای شکل‌گیری هویت متناقض شهری

از نظر اندیشمندان، جاذبه‌های توریستی و تاریخی مهمترین ظرفیت شهر برای توسعه است. علاوه بر آن، تنوع فرهنگی، اندیشه‌ها (مفاخر و نخبگان)، نیروی جوان، آب‌وهوا و موقعیت استراتژیک جغرافیایی ظرفیت‌هایی برای توسعه و بهبود وضعیت شهر هستند. اولین پیامد تغییراتی که این فرایند احساس می‌شود غلبه تراکم بر فرهنگ است که طی آن شهر با علایق و روحیه مردم تناسب چندانی نداشته و دچار یک شکاف بین هویت مورد انتظار و هویت محقق شده است و در نظر اکثر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، یک نوع جایگزینی بین تخریب جاذبه‌های سنتی و طبیعی با تراکم شهری و شلوغی پدید آمده که بسیار ناراحت‌کننده است و پیامدهای اصلی آن به شرح ذیل است:

- آسیب به اعتماد و اخلاق: پیامدهای روند حاصل از شکل‌گیری چنین تصویری از شهر کاهش میزان و عمق اعتماد است. این پیامد خود را در موضوعاتی مانند اختلاط و تعارض در باورهای فرهنگی، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و آسیب‌های اخلاقی نشان می‌دهد.

- مهاجرت نخبگان و نیروهای اصلی و کاهش کیفیت جمعیت

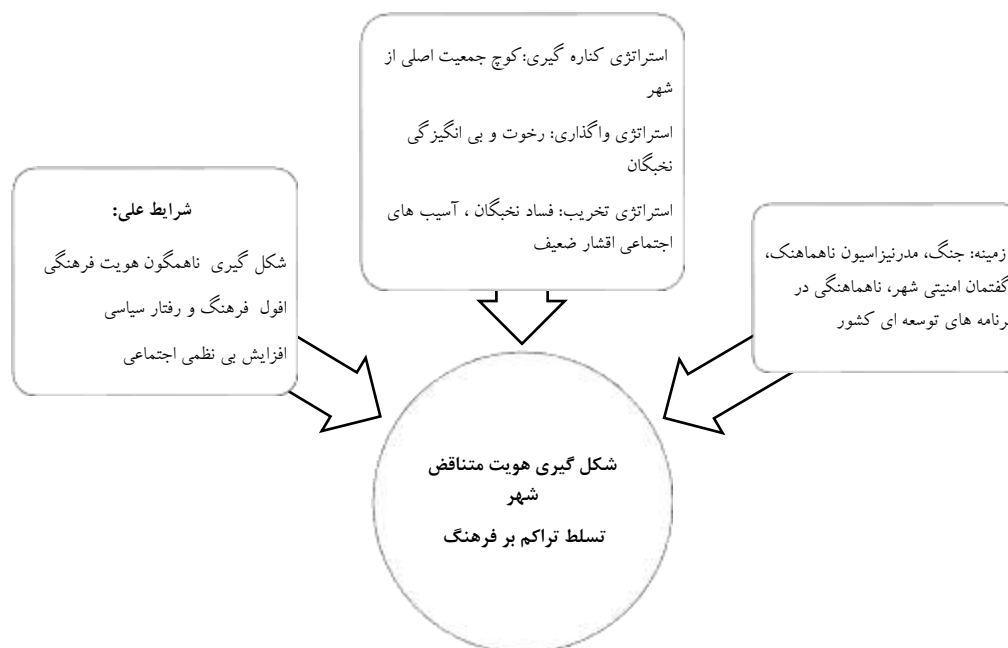
- عدم احساس نشاط و شادابی از معماری و جنبه‌های ظاهری شهر

- افزایش انحرافات و آسیب‌های شهری

مدل پارادایمی توسعه شهر کرمانشاه

در تحلیل‌های کیفی از نظر مشارکت‌کنندگان مدل توسعه شهردر قالب یک مدل پارادایمی که در شکل

۱ بر ساخت شده است.



شکل ۱. تصویر مدل پارادایمی توسعه شهر کرمانشاه

در بررسی مدل می توان گفت که در روند شکل گیری شهر به سمت هویت یابی متناقض است که در آن شهر و شهروندان یک توسعه بدقواره را تحمل می کنند در هویت یابی شهر یک روند سنت زدایی و تخریب مظاهر سنتی را طی می کند و عمدتاً در این سنت زدایی نتوانسته رضایت و روحیه مردم را با خود همراه سازد چنانچه که اندیشمندان از آن به عنوان تقابل حال با گذشته یاد کرده اند، به باور آنان، وضعیت گذشته شهر کرمانشاه بسیار بهتر از وضعیت موجود آن بوده، چه به لحاظ زیباشناختی و چه به لحاظ جلوه های متفاوت فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی. اکثر اندیشمندان در حوزه هایی مانند چهره شهر، کیفیت شهروندان و هویت فرهنگی ابراز حسرت نموده اند چنانکه P18 می گوید:

«در گذشته ای نه چندان دور، شهر کرمانشاه، قلب تپنده حرکت های روشنگرانه و آزادی خواهانه در غرب کشور بود. هنوز یاد و خاطره بزرگ مردانی چون یار محمدخان کرمانشاهی زنده است که سنگر مشروطه خواهی و مبارزه با استبداد را - حتی در شرایط سخت و ایام شکست مجاهدان - با رشادت حفظ می کرد. هنوز در خاطره ها مانده اند هنرمندان و فرهیختگانی چون میرزا رضا کلهر، ابوالقاسم لاهوتی، رشید یاسمی و مهدی فرهپور که در حوزه های فرهنگی به شهر کرمانشاه هویتی تازه بخشیدند. در آشفته بازار امروز نگذاریم چهره ی آنان در ازدحام و هیاهوی سرعت، رنگ ببازد، در گوش کسانی که به عشق اند آزاد، هر لحظه ز بیستون رسد این فریاد، گر تیشه کین خورد به فرق فرهاد، زان تیشه بنای عشق گردید آباد»

و همچنین مشارکت کننده P20 می گوید:

«زندگی در بافت قدیم شهر و حاشیه آن، خاطرات سالیان قبل از انقلاب، حوادث سال های انقلاب و جنگ و سال های بعد، هر کدام می توانند موضوع کتابی قطور شوند. کوهستان پراو، رودخانه، سراب های کرمانشاه، باغ ها، حتی قبرستان شهر هم خاطره انگیزند. سال های کودکی، مدرسه رفتن و خاطرات ایام تحصیل، سینما رفتن، کتابخانه، بازی ها، تفریح ها، زد و خورد با دوستان و هم کلاس ها و همسایه ها، دوستی ها و دشمنی ها، رنج ها و شادی ها همه یاد و خاطره هستند»

مهمترین علت‌هایی که برای چنین وضعیتی از سوی اندیشمندان برشمرده شده عبارت‌اند از افول فرهنگ و رفتار سیاسی، اختلال در هویت‌یابی فرهنگی و شکل‌گیری بی‌نظمی اجتماعی. به نظر می‌رسد زمینه‌ای که بخش قدرتمندی از تحلیل شرایط برای شکل‌دهی به پدیده توسعه شهر کرمانشاه را پوشش می‌دهد، جنگ و مدرنیزاسیون ناهماهنگ و همچنین تسلط گفتمان امنیتی شهر و ناهماهنگی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور باشد.

هر چند پیامدهای تغییرات در مسیر مدرن شدن همیشه با مسائلی برای افراد انسانی و شهروندان همراه است اما فضای کرمانشاه نه سنتی است و نه مدرن و نه در حال گذار، بلکه یک حالت خاص و پیچیده وجود دارد که ویژگی‌های گذار تفاوت دارد. نوعی حالت برزخی خاص را تجربه می‌کند اما برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های شهرسازی با این وضعت خاص تطابقی ندارد. و لذا آنچه در این مطالعه دریافت شد ناهماهنگی و تناقضات خاصی بین جریان مدرنیسم و احساسات و انتظارات شهروندان است. که نتیجه آن افزایش رفتارهای انحرافی بخش دیگر تغییرات در حوزه فرهنگ پدید آمده شامل از میان رفتن اعتماد و اخلاق، از بین رفتن همگونی و انسجام فرهنگی، گسست نسلی و قطع رابطه نسل جدید با میراث فرهنگی شهر مانند زبان، فرهنگ، معماری و تاریخ. تغییرات به وجود آمده در هر دو حوزه منفی است. علت بروز این تغییرات، به باور اندیشمندان، بخشی درونی است مانند عدم انسجام مردم و رفتار ایلی عشایری، پیگیری منافع شخصی و مانند آن اما بخش دیگر مربوط به عوامل بیرونی است مانند موقعیت جغرافیایی، جنگ و مدیریت ناکارآمد مدیران غیربومی.

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله چالش‌های تحول و توسعه شهر کرمانشاه از نگاه اندیشمندان کرمانشاهی بررسی شد. بر اساس نتایج پژوهش، تغییرات شهر کرمانشاه در سال‌های اخیر در جهت شکل‌گیری هویتی متناقض بوده است. ابعاد این هویت متناقض عبارت‌اند از: مدرن شدن شهر، انطباق توسعه شهری با فرهنگ، اخلاق شهر و شهروندی و در نهایت تعلق به شهر. همچنین هویت فرهنگی شهر به گونه‌ای ناهمگون شکل گرفته است، به این معنی که انسجام فرهنگی در آن رو به کاهش بوده است، در انتقال فرهنگی بین نسلی اختلال وجود دارد، اخلاق شهروندی و نیز حوزه‌های فرهنگی در این شهر تضعیف شده است.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تغییرات اجتماعی شهر در جهت افزایش بی‌نظمی اجتماعی و نیز افول فرهنگ و رفتار سیاسی بوده است. در این راستا می‌توان به چالش‌هایی چون مدیریت غیرتخصصی امور شهر، حذف اندیشه‌ها از مدیریت شهری، عدم مشارکت و بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خود، رفتار سیاسی غیرآگاهانه مردم، رخوت و بی‌تفاوتی نخبگان کرمانشاه، حضور و تسلط ذی‌نفوذان بر اقتصاد و سیاست استان، نبود یا ضعف نهادهای مدنی و در نهایت دخالت نیروهای خارج از حیطه قانون در اداره شهر اشاره کرد. از سوی دیگر، ۸ سال جنگ تحمیلی باعث اختلال در فرایند توسعه شهر شد که می‌توان از این عامل به‌عنوان زمینه شکل‌گیری هویت متناقض شهری یاد کرد.

در واکنش به شرایط پیش آمده، شهروندان کرمانشاهی سه نوع استراتژی را در پیش گرفته‌اند شامل کناره‌گیری، واگذاری و تخریب. کناره‌گیری حاصل ناامیدی از تأثیرگذاری و تغییر شرایط است و در رفتارهایی چون مهاجرت نخبگان و فعالان تبلور یافته است. واگذاری یک نوع استراتژی است که بر اساس آن شهروندان با وجود احساس ناتوانی از تأثیرگذاری و ایجاد تغییر، کناره‌گیری نکرده اما نقش اصلی را به افراد دیگر واگذار می‌کنند که از جمله به اکراه و بی‌تفاوتی نخبگان در این زمینه می‌توان اشاره کرد. استراتژی اعتراض و تخریب به این معنی است که شهروندان شرایط و روند را قبول ندارند اما اعتراض خود را به شیوه‌های نامعمولی مانند فساد و رانت و انحرافات اجتماعی بروز می‌دهند.

پیامدهای شکل‌گیری هویت متناقض شهری عبارت‌اند از: آسیب به اعتماد و اخلاق، مهاجرت نخبگان و نیروهای اصلی و کاهش کیفیت جمعیت، عدم احساس نشاط و شادابی از معماری و جنبه‌های ظاهری شهر و افزایش انحرافات و آسیب‌های شهری.

بر اساس مدل پارادایمی توسعه شهر کرمانشاه، که برآیند تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات پژوهش است، روند شکل‌گیری شهر به سمت هویت‌یابی متناقض است که طی آن شهر و شهروندان یک توسعه بدقواره را تحمل می‌کنند. در هویت‌یابی شهر یک روند سنت زدایی و تخریب مظاهر سنتی مشاهده می‌شود که عمدتاً نتوانسته رضایت مردم را با خود همراه سازد. مهمترین دلایل این وضعیت از نظر اندیشمندان عبارت‌اند از: افول فرهنگ و رفتار سیاسی، اختلال در هویت‌یابی فرهنگی و شکل‌گیری بی‌نظمی اجتماعی. در این میان جنگ، به عنوان یک زمینه قدرتمند از مجرای تحمیل مدرنیزاسیون ناهماهنگ، تحمیل گفتمان امنیتی و ناهماهنگی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، نقش مخربی در فرایند توسعه شهر داشته است. در نهایت می‌توان گفت کرمانشاه در یک وضعیت برزخی قرار دارد و ناهماهنگی‌ها و تناقضات خاصی بین جریان مدرنیسم و احساسات و انتظارات شهروندان ایجاد کرده که نتیجه آن افزایش رفتارهای انحرافی، از میان رفتن اعتماد و اخلاق، از بین رفتن همگونی و انسجام فرهنگی، گسست نسلی و قطع رابطه نسل جدید با میراث فرهنگی شهر مانند زبان، فرهنگ، معماری و تاریخ بوده است.

نتایج پژوهش تا حد زیادی در راستای نظریه‌های موجودند. به‌طور مثال تأثیرپذیری توسعه شهر از فضای نا امن سیاسی و نظامی (گلیزر و شاپیرو، ۲۰۰۱)، تأثیر ارتباطات سنتی (گریف و تابلینی، ۲۰۱۰)، مرزی بودن (سرماک، ۲۰۰۷) و تنوع قومی و مذهبی (ورمن، ۲۰۱۵: ۱۲۵). همچنین نتایج این پژوهش هم راستا با نتایج پژوهش تیلی (۱۹۹۲) است که نشان داد توسعه شهر متأثر از انگیزه‌های شخصی و رفتار نخبگان اقتصادی است. بیل و همکاران (۲۰۱۱) نیز تأیید کرده‌اند که جنگ وضعیتی شکننده را برای توسعه و آبادانی شهرها به وجود می‌آورد. همان‌گونه که کلهر (۱۳۸۶) در رابطه با توسعه شهر کرمانشاه، به تأثیر شیوه زیست ایلی و عشایری معتقد است در این پژوهش نیز حضور فرهنگ سنتی در کنار عناصر مدرنیته به عنوان یکی از دلایل ضعف توسعه یافتگی به دست آمده است.

بر اساس نتایج پژوهش، راهکارهای و سیاست‌های پیشنهادی از نگاه مشارکت‌کنندگان در مدل زیر بازسازی می‌شود:

۱- در استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای پیشینه و گذشته تاریخی شهر را مد نظر قرار دهیم و این امر شامل ملاحظه فرهنگ و سنت در کنار بحث‌های فنی شهرسازی است. بخش‌های سنتی و خاطرات تاریخی را حذف نکنیم و مردم را بی‌ریشه نسازیم.

۲- در مدیریت شهر ازدانش تخصصی همه‌جانبه استفاده کنیم و از اندیشمندان و متخصصان چه نخبگان محلی و چه متخصصان علمی و مدیریتی در مدیریت شهر و مسائل آن کمک بگیریم و لذا در کنار شورای شهر از اندیشه‌های نخبگان محلی، نخبگان تخصصی و جامعه علمی استفاده کنیم. ایجاد یک مرکز توسعه شهر متشکل از مثلث مردم، جامعه علمی و مدیران در درک بهتر مسائل و تدوین استراتژی‌های همه‌جانبه نگر بهتر کمک می‌کند.

۳- مظاهر و سنت‌های فرهنگی محلی شهر در کنار نخبگان و مردم ظرفیت‌های بزرگی برای سرمایه‌گذاری هستند. استراتژی‌های توسعه‌ای از این ظرفیت‌ها در توسعه سرمایه‌گذاری استفاده نماید.

۴- در شهرسازی و تراکم‌سازی نیازمند تجدید نظر اساسی هستیم. سخت‌گیری‌های فنی و فرایندی نباید چالشی برای فقدان نوآوری و توجه به روحیه شهروندان باشد. شهر قبل از همه چیز محل تجمع شهروندان است نه محل اجرای طرح‌های فنی و رسمی کارشناسان.

۵- مراقب ذی‌نفعان و نخبگان فاسد باشیم. آنها بهتر از نخبگان محلی و علمی مسائل شهر را می‌شناسند و دارای شبکه حمایتی و سازمان‌دهی خاص هستند و معمولاً در سازمان‌دهی شرایط برای مقاومت در مقابل توسعه شهر ماهر هستند.

۶- مرزی بودن استان به عنوان یک ظرفیت اقتصادی دیده شود. وجود نگاه امنیتی تاکنون خسارات اقتصادی و اجتماعی زیادی برای استان به بار آورده در صورتی که با اتخاذ رویکرد پدافند غیر عامل این فرایند حتی می‌تواند برعکس باشد.

۷- در رابطه با تنوع قومی و مذهبی که تاکنون به عنوان مانعی در برابر توسعه شهر عمل کرده می‌توان با کمک مرکز توسعه شهر (راهکار شماره ۲) مکانیسم‌های خنثی‌سازی اثر تبعیضی و تقویت اثر نوآوری و شکوفایی ایده‌ها در آن را شناسایی و به مرحله اجرا گذاشت.

تقدیر و تشکر:

این مقاله حاصل یک طرح پژوهشی است که با حمایت مالی اداره کل صدا و سیمای مرکز کرمانشاه انجام شده است. بدینوسیله از مدیرکل محترم وقت، جناب آقای رحیمی و معاون آموزش و پژوهش آن مرکز، جناب آقای شلانی قدردانی می‌گردد.

فهرست منابع:

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه**، تهران: انتشارات زمینه.
- پارسی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، **پویش شهر، شهر گرایی و شهرنشینی در قرون سوم تا پنجم هجری در ایران**، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۴. جانیور، (۱۴۰۰)
- چایچیان، محمدعلی (۱۳۹۰)، **شهر و روستا در خاورمیانه (ایران و مصر) در گذار به جهانی شدن**، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- خرمشاهی، سید ضیاءالدین (۱۳۷۵)، **کتاب سبز (بانک اطلاعات استان کرمانشاه)**، کرمانشاه: کانون تبلیغاتی دالاهو.
- کلهر، محمد (۱۳۸۶)، **بررسی موانع رشد شهرنشینی در کرمانشاه (با تکیه بر عصر قاجار)**، مسکویه، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۹-۱۶۶.
- الماسی، سارا؛ محمد مرادی، اصغر (۱۳۹۲)، **بررسی ساختار کالبدی بافت تاریخی کرمانشاه**، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- مرآت، خسرو (۱۳۷۵)، **کرمانشاه**، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۷ ص ۷۲-۷۶.
- نظیف، حسن (۱۳۹۲)، **پایداری اندام‌های معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی**، فصلنامه علمی-پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۴، سال دهم، ص ۵۷-۶۸.
- Abramson, S. and C. Boix (2014). "The Roots of the Industrial Revolution: Political Institutions or (Socially-Embedded) Know-How?" Working paper, Princeton University.
- Acemoglu, D., S. Johnson, and J. Robinson (2005). "The Rise of Europe: Atlantic Trade, Institutional Change, and Economic Growth." *American Economic Review*, 94: 546-79.
- Andersen, T., P. Jensen, and C. Skovsgaard (2013). "The Heavy Plough and the Agricultural Revolution in Medieval Europe." Discussion paper 6-2013, University of Southern Denmark.
- Beall, J., Goodfellow, T., Rodgers, D. (2011). **Cities, Conflict and State Fragility**, Crisis States Research Centre, Working Paper no. 85, ISSN 1749-1800 (online)
- Cantoni, D. and N. Yuchtman (2014). "Medieval Universities, Legal Institutions, and the Commercial Revolution." *Quarterly Journal of Economics*, 129: 823-87.
- Copus. K. A. (2001). **From Core-Periphery to Polycentric Development Concept of Spatial and A spatial Perpherality**, *European Planning Studies*, 9(4): 539-552.
- De Long, B. and A. Shleifer (1993). "Princes and Merchants: European City Growth Before the Industrial Revolution." *Journal of Law and Economics*, 36: 671-702.

- Dincecco, Mark and Onorato, Massimiliano Gaetano (2016). **Military Conflict and the Rise of Urban Europe**, Journal of Economic Growth, Vol. 21, No. 3. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2341713>
- Dittmar, J. (2011). “**Information Technology and Economic Change: The Impact of the Printing Press.**” Quarterly Journal of Economics, 126: 1133-72.
- Glaeser, E. and J. Shapiro (۲۰۰۱). “**Cities and Warfare: The Impact of Terrorism on Urban Form.**” Journal of Urban Economics, 51: 205-24.
- Greif, A. and G. Tabellini (2010). “**Cultural and Institutional Bifurcation: China and Europe Compared.**” American Economic Review Papers and Proceedings, 100: 135-40.
- Kolossov, V. and Scott, S. (2013). **Selected conceptual issues in border studies.** Belgeo. 10532: 1-19.
- Malinoshevska, K., Martyshyn, D., Perestyuk, I., Panchenko, S. and Omarov, A. (2021). **Management of financial and economic development of border regions of Ukraine**, Wseas Transactions on Business and Economics, 18: 595-605.
- Mumford, L. (1961). **The City in History.** New York: Harcourt Brace.
- Pirenne, H. (1925). **Medieval Cities. This version published in 1969.** Princeton: Princeton University Press.
- Rokkan, S. (1975). “**Dimensions of State Formation and Nation-Building: A Possible Paradigm for Research on Variations within Europe.**” In C. Tilly, ed., *The Formation of National States in Western Europe*, Princeton: Princeton University Press.
- Sermak, A. (2007). **Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities**, Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires), 7: 73-86.
- Stasavage, D. (2014). “**Was Weber Right? City Autonomy, Political Oligarchy, and the Rise of Europe.**” American Political Science Review, 108: 337-354.
- Tilly, C. (1992). **Coercion, Capital, and European States, 990-1992.** Cambridge: Blackwell.
- Van Zanden, J.L., M. Bosker, and E. Buringh (2012). “**The Rise and Decline of European Parliaments, 1188-1789.**” Economic History Review, 65: 835-61.
- Voigtlander, N. and Voth, H.J. (2013). “**Gifts of Mars: Warfare and Europe’s Early Rise to Riches.**” Journal of Economic Perspectives, 27: 165-86.
- Vormann, B. (2015). **Urban Diversity: Disentangling the Cultural from the Economic Case, New Diversities, 17(2): 119-130.**
- White, L. (1962). **Medieval Technology and Social Change.** Oxford: Oxford University Press.